قانون

اتفاق . عدالت . ترقی .

نمرهٔ اول غرهٔ رجب ۱۳۰۷	محل صدور این جریده در دفترخانهٔ کمپانی انطباعات شرقی در کوچهٔ لومبارد نمرهٔ ۳۸ در لندن .	قیمت اشتراک سالیانه یک لیرهٔ انکلیس

بسم الله الرحمن الرحیم ،

اللهم بدأنا باسمک العظیم . بعد الاتکال علی عونک الکریم . بنشر صحیفة "القانون" قانونا لعبادک المومنین . ودستوراً یهتدی باهوله خیر المهتدین . فارشدنا وایاهم الی صراط الرشاد المستقیم . وانر عقولنا بنبراس العلم السلیم . لنسلک فی منهاج العدل والاستقامه . ونحظی بخاتمة الصالحین یوم القیامه .

جمع کثیر ازخلق ایران به چندین سبب خودرا از وطن مألوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده اند . در میان این مهاجرین متفرقه ان اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق میکنند سالها در این فکر بودند که ایا بچه تدبیر می‌توان بان بیچارهگان که در ایران گرفتار مانده اند جزئی امدادی برسانند . پس از تفحص و تفکرزیاد براین عقیده متفق‌شدند که بجهة نجات وترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامهٔ ازاد هیچ اسباب نمی‌توان تصور کرد .

*

ان چند نفر اشخاص وطن‌پرست که معنی و قدرت روزنامه‌جات را درست فهمیده اند در این چهار پنج سال بیک عزم مردانه افتادند باطراف دنیا و بهر وسیله چه باصرار چه بالتماس و چه بگدائی از دولتخواهان ایران وارباب کرم و طالبان ترقی اعانتهای وافر جمع نمودند و بعون‌الهی این روزها یک کمپانی معتبری تریب دادند باین عزم مبارک که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامه‌جات و کتابچهای‌مفید انتشار بدهند که از ان جمله یکی همین جریده قانون است .

ایران مملوّ است از نعمات خداداد . چیزی که همهٔ این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است .

هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیراکه قانون نیست .

حاکم تعیین میکنیم بدون قانون . سرتیپ معزول میکنیم بدون قانون . حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون . بندکان خدا را حبس میکنیم بدون قانون . خزانه می‌بخشیم بدون قانون . شکم پاره میکنیم بدون قانون .

*

در هند در پاریس در تفلیس در مصر در اسلامبول حتی در میان ترکمن هرکس میداند که حقوق و وظایف او چیست .

در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام .

فلان مجتهد را بچه قانون اخراج کردند .

مواجب فلان سرتیپ را بچه قانون قطع نمودند .

فلان وزیر بکدام قانون مغضوب شد .

فلان سفیه بچه قانون خلعت پوشید .

هیچ امیر و هیچ شاهزادهٔ نیست که از شرط زندکی خود بقدر غلامان سفرای خارجه اطمینان داشته باشد .

حتیٰ برادران و پسرهای پادشاه نمیدانند فردا صبح بعراق‌عرب منفی خواهند شد یا بمملکت روس فرار خواهند کرد .

*

واضح است که حرف ما در اینجا بر عدالت شخص پادشاه نیست .

کل‌ایران شهادت میدهد که عادل‌تر و رئوف‌تر از امروز پادشاهی نداشته‌ایم . امّا عدالت شخص پادشاه بدون قوانین حسنه و بدون دیوانخانهای منتظم در میان این دریای مظالم بفریاد کدام بیچاره خواهد رسید .

*

تاریخ دنیا بحیرت ثبت کرده است که در این چهل ساله سلطنت هنوز در ایران یک کلمه قانون وضع نشده است .

در ملک انوشیروان با همهٔ ترتیبات دنیا و باهمهٔ کمالات دولت پرور وزرای ما امروز ادارهٔ جمیع امور ایران عبارتست از دلبخواه رؤسا .

درملکی که هیچکس ماذون نباشد لفظ قانون و اسم حقوق بزبان بیاورد در ملکی که مال و جان و ناموس و تمام زندگی خلق موقوف به بوالهوسی رؤسا باشد درملکی که هر جاهل نانجیب بتواند بر مسند وزارت خود را مالک رقاب کل ملت قرار بدهد در آن ملک همت ملوکانه و عدالت ظل‌اللهی چه معنی خواهد داشت .

مطلب اصلی و فریاد خلق ایران اینست که عدالت باید حکماً مبنی بر قانون باشد و ما در ایران هنوز هیچ قانون نداریم و از این نالهٔ ما مقصود بهیچوجه این نیست که یعنی در ایران قانون خوب نوشته نشده است .

کتب ما و سینهٔ علمای ما پراست از قوانین خوب . حرف در اجرای انهاست .

*

قوانین خوب در این چندهزار سال بواسطهٔ انبیأ و حکمأ بشروح کامل نوشته شده و الان به ترتیب صحیح جمع و حاضرند .. و اصول اکمل قوانین را درشرع‌اسلام‌بمثل آفتاب در پیش روی خود موجود و روشن می بینیم . اشکال مطلب بهیچوجه در انتخاب قوانین نیست .

اصل مسئله در اینست که قوانین خوب خواه آسمانی خواه عقلی از هرکجا که انتخاب و بهر زبان که چاپ نمائیم و کتابخانهای خود را هر قدر از این قوانین پر بکنیم محال است که خود بخود مجرا بشوند .

پس اگر قانون میخواهیم قبل از اقدام بکار باید از عقل و همت خود بپرسیم که بعد از انتخاب قانون چه‌بایدکرد که آن‌قانون مجرا بشود . در این مسئلهٔ بزرگ حرفهای تازه خیلی خواهیم داشت .

یکی از حرفهای تازهٔ ما اینست که ترقی دنیا پس از هزار قسم امتحان ازبرای اجرای قوانین بعضی تدابیر مخصوص اختراع کرده که ما اهل ایران تا امروز ازمعانی و اثر آن بکلی بیخبر بوده ایم .

علما و عقلای ایران همه وقت از قوانین حسنه اطلاع داشته‌اند . نقص کار این بوده که هرگز ندانسته اند ازبرای اجرای قوانین چه تدبیروچه راه باید پیش گرفت . هنوز براین اعتقاد هستند که اجرای قوانین کار وزراست . میگویند ما قوانین خوب درسینهٔ خود حاضر داریم اماچه‌کنیم‌که وزرا مجرا نمیدارند .

ای عاقل مکرم . آن وزرا که طالب و قادر اجرای قانون میشوند انها در این نوع شوره‌زارها بعمل نمیایند . پس‌ازاین انتظارها حال دیگر قبیح خواهد بود که ما و شما باز تکلیف خود را منحصر باین قرار بدهیم که قوانین خوب پیدا نمائیم . بعد از این باید تکلیف دولتخواهی و وظیفه انسانیت ما این باشد که سعی نمائیم بفهمیم چه باید کرد که قوانین خوب در ایران مجرا بشوند .

*

ما چند نفرکه بسعادت بخت و بتقدیر آلهی

موسس این جریده قانون شده‌ایم بر ذمت دولت‌پرستی خود حتم کرده ایم که از روی علوم و سرمشقهای دنیا بقدری که در قوهٔ ما باشد خلق ایران یاد و نشان بدهیم که از برای اجرای قوانین چه نوع همت و چه قسم مساعی باید بکار ببرند .

اگر اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مثل بعضی سلاطین سابق منکر و دشمن قانون میشد ما نیز باقتضای آئین شاه‌پرستی اسم قانون ر بزبان نمی‌آوردیم ولیکن بانهایت وجد مشاهده میکنیم که این اوقات پادشاه ما مصرتر از هر حکیم و مجدتر از هر رعیت هواخواه و داوطلب قانون شده است
موافق اخبار طهران این روزها در آستان همایون بجز تمجید قانون و تاکید برلزوم قانون حرف دیگر نبوده است .

*

از برای شاهد این معنی بعضی مضامینی که بر سر همین مسئلهٔ قانون در مجلس وزرا بزبان مبارک جاری شده و یکی از دوستان ما از طهران فرستاده است محض روشنائی قلوب اهل ترقی در اینجا با هزار لسان تشکر چاپ می‌نمائیم .

پس از شرح امنیت و آبادی فرنکستان اینطور فرموده اند .

همهٔ این ترتیبات و آسایش سایر ملل از میامن استقرار قوانین است .
در نظر ما مثل آفتاب روشن شده است که بدون قانون نه ازبرای سلاطین امنیت خواهد بود و نه ازبرای ملت آسایش .

تابحال کردش جمیع امور این دولت بسته بارادهٔ شخصی ما و اغلب موقوف بمیل و اغراض وزرا بود . مناصب دیوان و حقوق ملت همه توی در هم . کل صنوف نوکر و رعیت در زندگی خود متحیر . هیچ عملی در دولت ما نیست که مبنی برقانون باشد .

بی قانونی دولت و اغراض و عدم کفایت بزرگان وضع این دولت و بقای این سلطنت را موجب حیرت و اسباب ترحم دنیا ساخته است .
لهذا قلباً و قویاً مصمّم شده ایم که سیل همهٔ این مصایب را بسد قوانین دفع نمائیم .

جمیع حرکات دولت بعداز این باید مبنی بر قانون باشد .
عزل و نصب عمال باید موافق قانون . تحصیل مالیات موافق قانون . محاکمات موافق قانون . حبس موافق قانون . جزا موافق قانون . مصارف دولت موافق قانون . حکمرانی سلطنت موافق قانون . سختی و عدالت فرمایش واطاعت همه باید بحکم قانون باشد .

ولیکن باید این حقیقت بزرگ را هم خوب ملتفت بشوید که استقرار قانون فقط بارادهٔ پادشاه میسر نخواهد بود .
تا وزرا و عقلا بلکه تا عموم خلق یک ملک طالب قانون نباشند وضع قانون در ان ملک یک واقعهٔ موقتی و عوض اینکه یک درخت برومند باشد یک گیاه بی‌ریشه خواهد بود .

و این نقره را هم باید بخلق ایران درست حالی نمائید که این دولت تنها مال من نیست مال همهٔ ماست . اکر شما دربند قانون نباشید و اکر خلق ایران از ما قانون نخواهند همت ما و دلسوزی دیگران ازبرای رفاه شما چه حاصلی خواهد داشت .

نظم دولت باید باتفاق خلق باشد و شما معنی اتفاق را بکلی فراموش کرده اید .

مایهٔ کلی اغتشاش دولت ما از عدم اتفاق شماست .
اکر واقعاً نظم و قانون میخواهید باید ازروی جد در طلب قانون باهم متفق و یکدل بشوید . و اینهم کافی نخواهد بود که فقط شما چند نفر با هم اتفاق نمائید باید انچه قدرت و تدبیر دارید بکار ببرید که عموم اهل ایران طالب اتفاق و محرک و حامی قانون باشند .

باید مجتهدین و علما و ارباب قلم و اصحاب کلم فواید قانون و لزوم اتفاق را در مدارس و بر منابر و برسرکوچه و بازار شب و روز کوش‌زد خلق ایران بسازند .

باید ایران را طوری مملو صدای قانون نمائید که کل صنوف مردم ملا و تاجر سرتیپ و سرباز شاهزاده و رعیت در طلب قانون همرای و همزبان و همدست بشوند . بالا تر ازاینها باید معنی قانون را در قلب مردم چنان جایگیر بسازید که ازبرای تحصیل و حفظ قانون هیچ نوع فداکاری حتی جان خودرا مضایقه نکنند .

راه نظم و شرط احیای دولت اینست که پس از سیر اوضاع سایر دول و بعداز پنجاه سال تجربه بشما و بخلق ایران اعلام می‌نمائیم .

اگر واقعاً طالب حفظ دولت خود هستید قبل از همه چیز در طلب قانون و در تدبیر اتفاق باشید .

این فرمایشات ملکوتی‌سمات را یقین فرشتگان اسلام بخط طلا بر در و دیوار مساجد ما خواهند نوشت .

پرتو و فیوض این فرمایشات شاهنشاهی جادهٔ تکالیف مارا بطوری صاف و روشن میسازد که بعد از این طی مراحل آدمیت ازبرای ارباب غیرت یک عیش روح‌پرور خواهد بود .

بعد ازاین ان عقولی که از انوار معرفت شعاعی دیده اند و ان قلوبی که بهمت و ترحم سرشته شده اند چه اشکالی خواهند داشت که خلق ایران را از این خواب نکبت بیدار نمایند .

ما از سفرای دول متحابه بی‌نهایت ممنون هستیم که محسنات و وجوب قوانین را بدولت ما حالی کردند .

آن سفرا که دوست آدمیت و حقیقةً دولتخواه ایران هستند انشاءالله باز هم در هرموقع خاطرنشان اولیای دولت ما خواهند کرد که بعدازاین بقای دول ممکن نخواهد بود مگر بر اساس قوانین عدلیه .

ما نمی گوئیم قانون پاریس یا قانون روس یا قانون هندرا میخواهیم .

اصول قوانین خوب همه جا یکی است و اصول بهترین قوانین همان‌است که شریعت خدا بما یاد میدهد . اما ازعدم اجرای این اصول بجدی ضرر و ستم دیده‌ایم و الان بطوری محتاج و تشنهٔ قانون هستیم که راضی شده‌ایم بهر قانون اگرچه قانون ترکمن باشد زیرا که پست ترین قوانین بهتر از بی‌قانونی است .

سال گذشته یعنی سنه ۱۸۸۹ عیسوی ازخاک فرانسه موافق حسابهای گمرکها مبلغ هزاروسی‌ودو کرور تومان امتعه بخارج حمل شده .
وازقرار حساب گمرکهای داخله و خارجه ازممالک ایران سالی فقط پانزده کرور تومان مال بخارج میرود .

ممالک ایران خیلی وسیع تر . خاک ایران خیلی حاصل‌خیز . خلق ایران خیلی باهوش . خیلی کارکن . پس چرا از استعداد ملک واز هنرهای ذاتی خود باین درجه کمتر ازدیگران منفعت میبرند .
سببش اینست که در سایر ممالک قانون مجراست و در ایران هنوز لفظ قانون معمول نیست .

یک شخص بسیار محترم که می‌توان گفت مملو دولتخواهی است ازایران می نویسد .
ازاین دولت علیه چندین فقره طلب بی‌حرف دارم و دراین چند سال از برای ابطال طلبهای من هیچ بلائی نیست که برسرمن نیاورده باشند .
بعضی از غربا که واقف مظلومیت من هستند میگویند چرا نمیروی بدیوانخانه .
تعصب ذاتی قبول نمیکند که جواب بگویم کدام دیوانخانه . کدام قانون . کدام انصاف . کدام انسانیت .
اولیای ما صد تومان پیشکش میگیرند ویکی از نوکرهای خود را امیر دیوانخانه قرار میدهند و بعد بما یعنی باین ملت سیاه‌بخت ایران میگویند اگر طلب و حقی دارید بروید به دیوانخانه .
خدا دراین سی‌سال بمن و بچندین هزار امثال من خیلی حوصله داد . حالا دعا می‌کنم که هم بمن و هم به خلق ایران یک قدری هم شعور و یک فی‌الجمله غیرت کرامت فرماید .